

میزگرد «جوان» درباره افزایش اعتیاد و آسیب‌های اجتماعی در میان زنان

ارزانی و دسترسی سریع بر گرایش زنان به مواد مخدر افزوده است

قبیح اجتماعی اعتیاد از وقتی ریخت که معتاد به جای «مجرم» شد «بیمار»!



میزگرد «جوان» درمجلس شورای اسلامی

بغض گلویش را گرفته و مانع سخن گفتنش می شود. وقتی می خواهد از قصه زندگی‌اش بگوید چشمانش چشمه اشک می شود و انگار دوباره تجربه تلخ اعتیاد و کارتن خوابی پیش چشمانش آمده باشد، حرف زدن برایش سخت می‌شود. پر یسا یکی از زنانی است که

افتادن در گرداب اعتیاد را تجربه کرده و به واسطه اعتیاد تا آوارگی و کارتن خوابی پیش رفته است. پر یسا مانند بسیاری از زنان معتاد دیگری به واسطه اعتیادش شوهرش در دام اعتیاد افتاده است اما او اقتدر اراده داشته تا

اعتیاد را کنار بگذارد و برای ساختن دوباره و پرانه‌های زندگی‌اش کمر همت بیندد. پر یسا حالا دیگر معتاد ویرایی حفظ خانواده‌اش و برای خوشبختی و آینده تنها فرزندش با تمام مشکلات و سنگ‌هایی که زندگی بر سر راهش انداخته می‌جنگد و پاک ماندن برای ادامه این راه به او قوت قلب می‌دهد. پر یسا و افسانه توانسته‌اند

خودشان را از ۲۰۰ هزار زنی که به دلایل مختلف به دام اعتیاد افتاده‌اند، جدا کنند و در صف زنان سالمی

قرار بگیرند که در برابر مشکلات زندگی سر سازگاری و بنای تسلیم ندارند، اما آنها تجربیات و حرف‌های

جالبی دارند که وقتی می‌خواهیم اعتیاد و آسیب‌های اجتماعی حوزه زنان و چرایی دلایل افزایش روند رشد اعتیاد در زنان را بررسی کنیم، حضور و حرف‌هایشان نگاه واقع‌بینانه‌تری از اوضاع زنانه‌ی گرفتار اعتیاد و سایر آسیب‌های اجتماعی می‌شوند به ما می‌دهد. در

عین حال افسانه و پر یسا مصداقی از دوزن معتادند که وقتی اراده کردند اعتیاد را کنار بگذارند موفق بوده‌اند و حالا ایستاده‌اند تا دوباره زندگی‌شان را بسازند. پر یسا و افسانه هم میهمان میزگردی هستند که با حضور فاطمه باجلان مددکار اجتماعی و مدیر مددسازی بانوان آفتاب نیلوفری و ریحانه مدرسی کارشناس مددکاری اجتماعی، کارشناسی ارشد مشاوره خانواده و توانبخشی برای بررسی اوضاع اعتیاد و آسیب‌های اجتماعی در زنان در روزنامه جوان برگزار شد.

■ ■ ■

خانم باجلان! شما مدیر یکی از مددسراهای ویژه بانوان و در واقع اولین مددسرای ویژه بانوان آسیب‌دیده در تمام کشور هستید. در مددسرا چه خدماتی به بانوان آسیب‌دیده ارائه می‌کنید و این مددسرا چه زمانی و با چه هدفی آغاز به کار کرد؟

مددسرای ما اولین مددسرای ایران است و سال ۹۶ هم دومین مددسرای کشور راهاندازی شد. این مددسراها برای این راهاندازی شده تا افرادی سرپرست یا کسانی که شش جایی برای ماندن ندارند، مکانی برای خوابیدن داشته باشند و در خیابان نمانند. ابتدای تأسیس مددسرا خدماتش در حد شام و صبحانه بود و افرادی که شب را در مددسرا می‌گذرانند باید صبح بیرون می‌رفتند اما امسال این امکان فراهم شده تا کسانی که می‌خواهند روز هم در مددسرا باشند و خدمت ناهار هم به خدمات ما اضافه شده است و مددجویان می‌توانند روزها هم در مددسرا باشند تا در خیابان نباشند و آسیب‌های آنها در سطح شهر پخش نشود.

به نظر می‌رسد منطقی تر باشد که برای افرادی که خودشان بخواهند امکان حضور شان در مددسرا فراهم باشد.

بله، ما یک مددجو داشتیم که گاهی مجبور می‌شدیم در طول روز او را بنهان کنیم تا مجبور نباشد از مددسرا بیرون برود زیرا بیرون رفتن از مددسرا دوباره وی را در معرض آسیب قرار می‌داد و موجب می‌شد تا باز لغزش کند و روز از نو و روزی از نو!

سر همین ماجراها بود که مدیریت آسیب‌های شهری در تهران تصمیم گرفت تا در طول روز هم بتوانند افرادی که می‌خواهند در مددسرا باشند. در عین حال من خودم

زنان

سرویس اجتماعی ۰۹۸۴۹۸۴۰

خانواده‌ام هم حمایتی از من نداشتند و این مسئله باعث شد تا سرتوشتم تغییر کند. ابتدا مقداری طلا و جواهر داشتم اما بعد با از دست دادن آنها دیگر کاملاً تنها و بی‌پناه شدم. یک شب که هوا خیلی سرد بود و من در خیابان مانده بودم، ماشین‌هایی که معتادان متجاهر را جمع می‌کنند آمدند و من هم با گشت به گرخانه آمدم. در آنجا بر خورد خوبی من شد و با احترام و ارزشی که در آنجا برای من قائل شدند انگیزه‌ام برای ترک جدی شد و موفق شدم اعتیادم را ترک کنم. بعد از ترک اعتیاد دوباره با کمک خانم باجلان به زندگی‌ام بازگشتم

صحبت‌های افسانه و پر یسا را شنیدیم. خانم باجلان! شما به عنوان یک مددکار و فردی که مدت‌هاست با آسیب‌های حوزه زنان سر و کار دارید فکر می‌کنید چقدر آسیب‌دیدگی و اعتیاد زنان می‌تواند به تکرار چرخه آسیب در جامعه منتهی شود؟

زن و مادر رکن اصلی و زیربنای خانواده و جامعه است و اگر این زیربنا آسیب ببیند، تمام خانواده و جامعه آسیب می‌بیند. این خانم‌ها یک سوم راه را رفته‌اند و توانسته‌اند سر و سامانی به زندگی‌شان بدهند اما نباید آنها را کرد و باید به آنها کمک کنیم تا بتوانند زندگی‌شان را حفظ کنند. اما همین که اینها توانسته‌اند از مددسرا جدا شوند و به زندگی خانوادگی‌شان بازگردند خیلی خوب است. مددجویانی که به مددسرا مراجعه می‌کنند چیزی برای از دست دادن ندارند و محیط یا خانواده یا شرایط موجب شده تا این افراد به چنین مسیری کشیده شوند و شاید اگر ما هم در این شرایط قرار گرفته بودیم ممکن بود به همین بحران‌ها دچار شویم. پر یسا و افسانه از جمله مددجویانی هستند که خودشان را از آلودگی‌های اخلاقی حفظ کردند اما واقعیت این است که برخی از این زنان به خاطر شرایط خاصی که دارند به ورطه مسائل اخلاقی هم می‌افتند که این مسئله شرایطشان را بحرانی‌تر می‌کند.

خانم باجلان! آمار و ارقام می‌گوید آسیب‌های اجتماعی زیاد و زنانه شده است. در گذشته اگر مردی معتاد می‌شد کمتر پیش می‌آمد همدستش هم دچار اعتیاد شود اما حالا انگار قبیح ماچرا هم شکسته است و خانم‌ها را تحت تر به سمت آسیب‌های اجتماعی و اعتیاد کشیده می‌شوند. از نگاه شما چرا این چنین شرایطی مواجهیم؟

افزایش آمار آسیب‌های اجتماعی برای ما امری کاملاً محسوس است. ابتدای راهاندازی مددسرا ما یکی دو مددجو داشتیم اما حالا تعداد زیادی مددجو داریم و روزانه ۶۰ نفر مددجو پذیرش می‌کنیم. البته ۶۰ نفر هستند که به طور دائم در مددسرا زندگی می‌کنند. گشت‌های شبانه هم هر شب تعدادی را به مرکز می‌آورند. مددسرا ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر ظرفیت دارد و ما سعی می‌کنیم به این افراد انگیزه بپهوی بدیم و با برخی کمک‌ها هم در ارتباطیم تا بتوانیم افرادی را که خودشان می‌خواهند به کمک بفرستیم تا اعتیادشان را ترک کنند. علاوه بر مددسرای ما، مددسرای منطقه ۱۲ هم هست و تعداد زیادی هم زنان کارتن خواب در دره فرحزاد داریم که بناسند مددسرای هم در آنجا احداث شود. فشارهای اقتصادی اخیر هم به چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی موجود دامن زده است.

ما با افرادی مواجهیم که از شهرستان‌ها برای کار به تهران می‌آیند اما در تهران نه فقط کاری پیدا نمی‌کنند بلکه در چرخه آسیب می‌افتند و هم اکنون بسیاری از مددجویان ما چنین شرایطی دارند. جالب اینجاست که اگر ما بخواییم مددجویی را از چرخه آسیب بیرون بکشیم کار بسیار کند و میلی‌متری پیش می‌رود اما ورود آنها به شب آسیب‌های شکی نزولی و پیش‌رونده است. به همین خاطر لازم است تا سیاست‌گذاری‌ها در حوزه آسیب‌های اجتماعی از تقا یاد و رسیدگی بیشتری به مددسراها صورت بگیرد. علاوه بر این باید به خود مددکارها هم رسیدگی شود در حالی که پیش از این مددکار و مددیار ما زیر یک میلیون حقوق می‌گرفت. کاهش آسیب این نیست که ما تنها مددجوها را بریزیم آنجا و یک جای خواب و غذای گرم داشته باشند، بلکه باید تلاش کنیم تا این افراد را از چرخه آسیب‌ها نجات دهیم. به همین خاطر هم سعی می‌کنیم با کمک خیرین بخشی از نیازهای این افراد همچون هزینه‌های دارو و درمانشان را تأمین کنیم.

من جواب بخشی از سوآل‌ها را نگرفتم که چرا با افزایش این آسیب‌ها مواجهیم؟

درباره چرایی افزایش آسیب‌ها باید بگویم ما ماده مخدری داریم به نام شیشه و باید حواسمان باشد این آسیب‌ها از هیچ کس دور نیست و در کمین تمام ما و خانواده‌های ماست. این مواد مخدر از کجا می‌آید؟ مواد مخدر جدید به وفور در جامعه وارد می‌شود و وقتی به جامعه آمد و در دسترس قرار گرفت افراد را آلوده می‌کند. مواد مخدر شیشه روانگردان است که شاید به لحاظ جسمی ترک‌ش کار سختی نباشد اما وابستگی روانی آن به سادگی رفع نمی‌شود و نیازمند مراقبت مداوم است و بدون گروه درمانی و حضور در جلسات قابل درمان نیست. افزایش مواد مخدر روانگردان گل و شیشه موجب شده تا آمار اعتیاد و آسیب‌های اجتماعی افزایش یابد. مصرف روانگردان‌ها هم اکنون به بچه‌های مدرسه‌ای رسیده و گروه همسالان در این زمینه به شدت روی هم تأثیر می‌گذارند و اعتیاد به این مواد روانگردان سرآغازی برای بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی است.

خانم مدرسی! نظر شما در این باره چیست؟

من فکری می‌کنم یکی از دلایل افزایش اعتیاد در جامعه و در بین ختم‌ها در دسترس بودن مواد مخدر است و اینکه با یک تلفن این مواد در خانه به افراد تحویل داده می‌شود. نکته بعدی که موجب روند رشد اعتیاد در جامعه و با اهنگی تندتر در میان خانم‌ها شده است، ارزان بودن مواد مخدر است. برای مقابله با

مایی که در بطن کار هستیم دلمان می‌سوزد. خیلی از افراد حتی اسم مددسرا یا سامان سرا به گوششان نخورده است و نمی‌دانند اصلاً چنین مکان‌هایی وجود دارد. از طرفی اطلاع‌رسانی نمی‌شود که همه گیر نشود و حجم گسترده‌ای از معتادان متجاهر به این مکان‌ها هجوم می‌آورند و در عین حال ممکن است سوءاستفاده‌هایی هم بشود.

اما من خیلی با شما موافق نیستم! حتی زن یا دختری که مقصر بوده اما از خانه بیرون زده بهتر است در جایی نسبتاً امن شبش را بگذرانند تا اینکه در خیابان بماند و این برای کل جامعه آسیب کمتری دارد. شما اینطور فکر نمی‌کنید؟

ما الان چند جا داریم در تهران؛ سامان سرای لويزان و مددسرای منطقه ۲۲ و چند مددسرا هم قرار است افتتاح شود اما ظرفیت لازم را برای جمعیت تهران ندارد.

اتفاقاً من فکر می‌کنم با توجه به آسیب‌هایی که در کمین خانم‌هاست، لازم است تا تعداد گر مخانه‌ها یا مددسراها برای خانم‌ها بیشتر از آقایان باشد چرا که یک آقا اگر شب در خیابان بماند با مشکل چندانی مواجه نمی‌شود اما اگر یک خانم شب در خیابان بماند ممکن دچار آسیب‌هایی شود که گاهی اوقات به هیچ وجه جبران‌پذیر نیست. شما موافق نیستید؟

باجلان: اینکه باید مددسراها زیاد شود نباید به این مفهوم باشد که در آمده‌ا یا صورت وضعیت‌ها مان زیاد شود. باید تعداد مددکاران ما هم زیاد شود و برای هر کسی که وارد این مددسراها می‌شود یک برنامه‌ای وجود داشته باشد و رها نشود تا بتوان آسیب‌های اجتماعی حوزه زنان را کنترل کرد.

مدرسی: باید در این مددسراها جداسازی وجود داشته باشد. البته بهتر یستی هم خانه‌های امن را دارد. الان هم یک نگاه این است که طرف معتاد است و مواد می‌کشد، شما جای خواب و غذای گرم هم به او بدهید، این مسئله خودش مشوقی برای اعتیاد می‌شود.

در حالی که یک فرد آسیب‌دیده اگر در جامعه رها شود می‌تواند آسیب‌زا باشد و این مسئله درباره زنان با توجه به جایگاه و نقش محوری که در خانواده دارند بسیار مهم است. بیماری‌هایی مثل ایدز یا حیانتیت در بین زنان می‌تواند حساسیت بیشتری داشته باشد زیرا زن اولین مدخل می‌کند و بیماری را یک زن می‌تواند منجر به تولد نوزادی با بیماری شود.

وقتی که مددجو به شما مراجعه می‌کند و با خدمات و تلاش شما برای بازگشت به زندگی عادی مواجه می‌شود در صورتی این بازگشت مانند کار خواهد بود که زمینه‌های اشتغال و پذیرش آنها در جامعه فراهم شود در غیر این صورت این افراد دوباره به آسیب‌بازی می‌گردند. اما دور کردن این خانم‌ها از چرخه آسیب نیاز مند همکاری سایر نهاده‌های حمایتی است. سایر دستگاه‌ها چقدر با شما همکاری دارند؟

باجلان: همکاری دستگاه‌ها با ما بسیار ضعیف است. ما با کمیته‌ها امداد و اقاً‌مشکل داریم. مددجویان ما در مددسرا نمی‌توانند برای مدت طولانی بمانند چرا که در آنجا اختلالات متعددی وجود دارد و مددجویان در سنین مختلف با اختلالات مختلف حضور دارند. البته من تفکیک کردم اما باز هم مشکل وجود دارد. وقتی ما می‌خواهیم برای اینها یک دام ۵ میلیونی کمیته‌ا امداد از ما ضامن می‌خواهد! در حالی که مددجوی معتادی که هیچ کس را ندارد از کجا باید ضامن بیاورد؟ کمیته امداد باید به اینها کمک کند و یک حقوقی برای اینها قرار دهد تا خودشان ضامن خودشان باشند. ما مددجویی داریم که پنج سال است در مددسرا گیر کرده و هیچ حامی‌ای ندارد. باید کمک کنیم تا اینها به چرخه اشتغال بازگردند.

شاید لازم باشد در کنار این مددسراها کارگاه‌هایی هم از سوی نهاده‌های حمایتی راه‌اندازی شود تا این افراد شاغل شوند. اینطور هم تر آمدنی دارند و هم سرشان گرم می‌شود و همین سرگرمی می‌تواند مانع از بازگشت آنها به دامن آسیب‌ها شود. آیا چنین برنامه‌هایی وجود دارد؟

باجلان: در حال حاضر دو تا چرخ خیاطی بزرگ در مددسرا گذاشته‌ایم و منتقل به خانمی است که تولیدی روختی‌های بسیار زیبایی دارد که به خارج از کشور صادر می‌شود یا کار ساخت جعبه که در مددسرا آموزش داده می‌شود و خود من هم همراه با اینها می‌نشینم و یاد می‌گیرم و حضور من در کارگاه باعث می‌شود تا مددجوها هم سر ذوق بیایند و با ما همراه شوند.

مدرسی: این تجربه‌ای است که من خودم متوجه آن شده‌ام که معتادان کارهای با دست را دوست دارند. خیلی از بچه‌های مددسرا‌ها در مترو یا جاهای دیگر غرفه می‌زنند و فروشنده‌گی می‌کنند زیرا آنها دوست دارند کار کنند و در آمد داشته باشند. این بچه‌ها عملاً هیچ حمایتی ندارند و بیمه سلامت هم هیچ کارایی‌ای برایشان ندارد و الان کنسل شده است.

خانم باجلان! مشکل بیمه مددجویان شما چگونه است؟

قبلاً یکی دو تا از مددجویان را بیمه سلامت کردیم اما اخیراً این کار متوقف شده است و کارایی هم ندارد. اغلب این افراد اوراقی هوبتی ندارند و این کار را سخت می‌کند. اغلب مددجویان با مشکلات جسمی جدی دارند اما به دلیل فقدان بیمه و هزینه درمان واقعاً با مشکل مواجهیم. برای بیماران مبتلا به ایدزی که به ما مراجعه می‌کنند اخیراً بیمارستان لقمان خدماتی ارائه می‌کند که رایگان است.



مدرسی: یکی از مواردی که موجب شده تا اعتیاد در جامعه ما و حتی در میان زنان ما افزایش یابد، این است که قبیح اجتماعی اعتیاد در جامعه ما ریخته است و وقتی قبیح اجتماعی موضوعی همچون اعتیاد بر یسر د راحت‌تر پذیرفته می‌شود



فاطمه باجلان: درباره چرایی افزایش آسیب‌ها باید بگویم ما ماده مخدری داریم به نام شیشه و باید حواسمان باشد این آسیب‌ها از هیچ کس دور نیست و در کمین تمام ما و خانواده‌های ماست. این افراد مخدر از کجا می‌آید؟ مواد مخدر جدید به وفور در جامعه وارد می‌شود و وقتی به جامعه آمد و در دسترس قرار گرفت افراد را آلوده می‌کند.

این حجم گسترده اعتیاد به مواد مخدر هم باید از همان دوران نوجوانی به بچه‌ها آموزش بدیم تا با عوارض اعتیاد به مواد مخدر آشنا شوند و بدانند چه شرایطی در کمین آنهاست زیرا نوجوانان با یک جست‌وجو شبکه‌های اجتماعی و از طریق گروه‌های همسالان و دوستان از اطلاعات رای به دست می‌آورند. پس چه بهتر که خانواده یا مدرسه اطلاعات درست را به آنها بدهند. از سوی دیگر لازم است تا روانشناسان و مشاوران در مدارس حضور داشته باشند تا به افراد افرادی که توانایی مواجهه با مشکلاتشان را ندارند برای فرار از مشکلاتشان به اعتیاد پناه می‌برند که این مسئله نه تنها مشکلاتشان را حل نمی‌کند بلکه چالش‌های تازه‌ای را پیش روی آنها قرار می‌دهد.

همینطور یکی از موارد دیگری که موجب شده تا اعتیاد در جامعه ما و حتی در میان زنان ما افزایش یابد، این است که قبیح اجتماعی اعتیاد در جامعه ما ریخته است و وقتی قبیح اجتماعی موضوعی همچون اعتیاد بر یسر د راحت‌تر پذیرفته می‌شود.

به نظر شما چرا قبیح اجتماعی اعتیاد ریخته است؟

به نظر من از وقتی گفتند اعتیاد بیماری است نه جرم و معتاد بیمار است و مجرم نیست قبیح اجتماعی اعتیاد ریخت و این مسئله در جامعه پذیرفته شد. وقتی چیزی پذیرفته شد ترس از آن کمتر می‌شود و همه‌گیری اجتماعی پیدا می‌کند. بعدتر آموزش محیطی پیش می‌آید و ممکن است در جمع‌هایی قرار بگیریم که به این کار دعوت شویم. بنابراین باید نه گفتن را یاد بگیریم. الان ماده مخدر گل را می‌توان در باغچه خانه هم کاشت یا حتی در برخی پارک‌ها در همین تهران با گیاه گل مواجه می‌شویم. این سوزی دیگر به نظر من جایگاه مددکاری اجتماعی در جامعه ما در حد تخفیف گرفتن در بیمارستان یا در کمپ‌های ترک اعتیاد است که صورتی که مددکاری این نیست. مددکاران باید روی افراد مختلف چند سال کار و اعتمادشان را جلب کنند تا مددجو بتواند به مددکار اعتماد کند. باید در زمینه آسیب‌های اجتماعی شایسته‌سالاری صورت بگیرد و افرادی در جایگاه‌های مدیریتی قرار بگیرند که توانمندی لازم را داشته باشند. ممکن است مدیریت‌ها عوض شود اما مددجوها تغییر نمی‌کنند. مددجو فردی آسیب‌دیده است و ما باید بدانیم با انسان‌ها سر و کار داریم و نباید روی آسیب تجارت کنیم. اما گاهی اوقات اینقدر کم گذاشته می‌شود که